

تأثیر عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی

| ناصر علیدوستی شهرکی* | استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه
علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
| سیدامیرعلی تاج | کارشناس ارشد حقوق ثبت، دانشکده ثبت و مدیریت قضایی، دانشگاه علوم
قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

چکیده

تمام اموال در معرض خطرند، چه اموال مادی و چه معنوی. در این زمینه باید توجه داشت که جدای از راهکارهای سنتی برای محافظت از اموال، مثل حفاظت فیزیکی، توسل به قانون و...، راهکار تقریباً نوینی نیز وجود دارد، که همان صنعت بیمه است. بر اساس آمارهای موجود، خسارت‌های وارد بر حقوق معنوی اشخاص مانند اختراعاتی که از بین رفته‌اند یا طرح‌های صنعتی که به دلایلی غیرقابل اجرا شده‌اند، در کشور ما نسبت به سال‌های گذشته به صورت تصاعدی افزایش یافته و ضایعات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد ملی وارد ساخته است. در اینجا است که پی به اهمیت بیمه مالکیت صنعتی و کاربرد اساسی آن در توسعه و رشد اقتصاد کشور می‌بریم. البته در این راه موانعی وجود دارد. عدم تقارن اطلاعات را می‌توان به‌عنوان یکی از این موانع مهم در صنعت بیمه مالکیت صنعتی دانست که عبارت از تفاوت اطلاعاتی است که در اختیار طرفین قرار دارد. در این مقاله به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی که یکی از مهم‌ترین مسائل روز کشورمان در عرصه حمایت از حقوق مالکیت صنعتی می‌باشد می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: عقد بیمه، عدم تقارن اطلاعات، بیمه، مالکیت صنعتی

مقدمه

یکی از زیرساخت‌هایی که می‌تواند ضامن موفقیت اقتصادی و فناوری پژوهشگران و شرکت‌های دانش‌بنیان در عصر دانایی محوری باشد، توجه به «حقوق مالکیت معنوی» است. حقوق مالکیت معنوی، مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند و در این راستا یک سری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده آن اعطا می‌کند. مالکیت صنعتی به‌عنوان بخشی از حقوق مالکیت معنوی شاخه‌ای از حقوق تجارت است که حقوق غیرمادی ناشی از علائم مشخص‌کننده مانند علائم تجاری یا صنعتی یا خدماتی، اسم تجاری، سمبل یا علامت و مشخصات منشأ کالا را مورد مطالعه قرار داده و به حقوق حاصل از خلاقیت و نوآوری از قبیل ورقه‌های اختراع، گواهی اشیای مصرفی و بالاخره به اشکال و ترسیمات و مسائل راجع به رقابت نامشروع و سوءاستفاده از حقوق مالکیت صنعتی می‌پردازد. امروزه مالکیت صنعتی، چه در حقوق داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به علت الزامات بازرگانی بین‌المللی و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، مورد حمایت جدی قرار گرفته است. با پیدایش این نوع مالکیت، مسائل حقوقی جدیدی، پدیدار شد و حقوق‌دانان را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو کرده است. یکی از این مسائل بیمه این نوع مالکیت می‌باشد. به هر حال و با توجه به تمام مسائل موجود در این زمینه امروزه با توجه به اهمیت اقتصادی و ارزش بالای آفرینه‌های فکری از یک سو و ترس از ورود خسارت به این اموال یا ایجاد مسئولیت برای تجار و مخترعان از سوی دیگر، ضرورت دارا بودن بیمه مالکیت صنعتی بیش از پیش آشکار شده است.

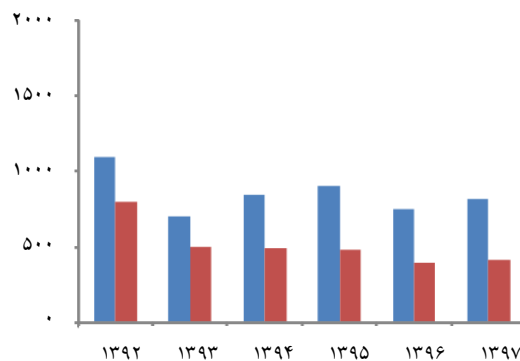
با این حال، هنوز موانعی در این صنعت وجود دارد که از پیشرفت این صنعت جلوگیری کرده است. نگاهی به نمودار شماره ۱ این سخن را تأیید می‌کند. در واقع تحولات عمده در محیط کسب‌وکار، مثل جهانی شدن کسب‌وکار و سرعت بالای تغییرات در فناوری، باعث افزایش رقابت و دشواری مدیریت در سازمان‌های بیمه مالکیت صنعتی گردیده است. در این شرایط سخت و خاص و پیچیده مدیریت ریسک مؤثر، در میان ریسک‌های موجود، بخش مهمی از فرایند تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد. شناسایی و مدیریت ریسک، یکی از رویکردهای جدیدی است که برای تقویت و ارتقای اثربخشی سازمان‌های بیمه مورد استفاده قرار می‌گیرد، از این رو اطلاعات نامتقارن را می‌توان یک مانع مهم در صنعت بیمه مالکیت صنعتی دانست که حکایت از تفاوت اطلاعاتی دارد که در اختیار فروشندگان و خریداران این بازار است (Muermann and Straka, 2012: 125).

عدم تقارن اطلاعات حالتی است که در آن یکی از طرفین قرارداد، به اطلاعاتی دسترسی دارد که طرف دیگر قرارداد به آن دسترسی ندارد. عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه باعث ایجاد یک

نوع عدم توازن قدرت در معاملات می‌شود. عدم تقارن در نهایت موجب ورشکستگی شرکت‌های بیمه و از رونق افتادن بیمه مالکیت صنعتی و حتی موجب از بین رفتن حقوق مالکیت صنعتی و در نتیجه موجب ضربه خوردن تولید داخلی و مانع توسعه و رشد اقتصادی کشور خواهد شد. برای جلوگیری از این نتایج، راهکارهایی وجود دارد که در این مقاله سعی داریم به آن‌ها بپردازیم. در واقع با توجه به گسترش رقابت در صنعت بیمه کشور و افزایش تعداد بیمه‌گران خصوصی در این عرصه، بررسی موانع و مشکلات و شناخت توزیع اطلاعات بین طرفین قرارداد بیمه (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) و مسائل مربوط به آن، از جمله پدیده عدم تقارن اطلاعات به منظور بازبینی قیمت‌گذاری و تعیین تعرفه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد.

این مقاله به بررسی پدیده عدم تقارن اطلاعات و تأثیر آن بر بیمه مالکیت صنعتی پرداخته است. زیرا بیمه مالکیت صنعتی یکی از عمده‌ترین نهادهای اقتصادی و قوی‌ترین و غیرقابل انکارترین پشتیبانی‌کننده و تأمین‌کننده برای دیگر مؤسسه‌های اقتصادی، اجتماعی و مخترعین است. اگر مخترع برای حفظ اختراع خود و تداوم فعالیت‌های علمی خویش از پوشش‌های بیمه‌ای مناسب برخوردار نباشد و در نتیجه از ادامه فعالیت منصرف شود، در نهایت این اقتصاد کشور است که تضعیف خواهد شد. بنابراین تسهیل بیمه مالکیت صنعتی و برداشتن موانع موجود در این راه به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در جهت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این قسمت به آماری که توسط بیمه مرکزی در سال ۱۳۹۷ ارائه شده می‌پردازیم تا پی به اهمیت موضوع تحقیق پیش رو ببریم. با توجه به آماری که بیمه مرکزی در سال ۱۳۹۷ ارائه کرد میزان ثبت اختراع ایرانیان به این شرح می‌باشد:



نمودار شماره ۱ - نمودار آمار ثبت اختراع ایرانیان در ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۷)

رنگ آبی: تعداد کل اختراعات ثبت شده و رنگ قرمز: تعداد اختراعات ثبت شده‌ای که بیمه شده‌اند

همچنان که دیده می‌شود در سال‌های اخیر تعداد اختراعاتی که بیمه شده‌اند بسیار کاهش پیدا کرده است و این امر جای افسوس بسیار دارد. کاهش شدید آمار بیمه اختراعات ثبت شده در چند سال گذشته نه تنها با روند پیشرفت علم و فناوری کشور و سیاست‌گذاری‌های ملی، بلکه با روندهای جهانی و حتی آمار فزاینده ثبت اختراعات در کشورهای در حال توسعه هم هم‌خوانی ندارد. کافی است بدانیم که در کشوری چون کره جنوبی با حدود ۲۵ میلیون جمعیت سالیانه بیش از ۶۰ هزار اختراع ثبت شده بیمه می‌شود و اینکه در دو سه سال گذشته آمار بیمه اختراعات ثبت شده کشور کوچکی چون دانمارک (با تنها ۵ میلیون نفر جمعیت) از تعداد اختراعات بیمه شده ایران پیشی گرفته است.

دلیل کاهش تعداد بیمه اختراعات ثبت شده را می‌توان تا حدودی به سختی‌های بیمه این نوع مالکیت نسبت داد و همچنین معضلاتی که در این زمینه مثل پدیده عدم تقارن اطلاعات، وجود دارد موجب تحقق این امر شده است. ما در این مقاله به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات در مالکیت صنعتی خواهیم پرداخت.

۱. پدیده عدم تقارن اطلاعات

۱-۱. مفهوم و اصطلاح‌شناسی

در تعریف عدم تقارن اطلاعات می‌توان گفت پدیده عدم تقارن اطلاعات حالتی است که در آن یکی از طرفین قرارداد، به اطلاعاتی دسترسی دارد که طرف دیگر قرارداد به آن دسترسی نداشته باشد. عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه باعث ایجاد یک نوع عدم توازن قدرت در معاملات می‌شود که گاهی اوقات می‌تواند باعث ورشکستگی شرکت‌های بیمه یا حتی منجر به از بین رفتن حقوق ناشی از مالکیت صنعتی و در نتیجه تضعیف جبهه اقتصاد مقاومتی شود و مانع توسعه و رشد اقتصادی کشور شود.

در ادامه به بررسی اصول حاکم و نتایج حاصل از عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه پرداخته، سپس به بیان تأثیر عدم تقارن اطلاعات در چند نوع بیمه خاص مثل بیمه مسئولیت، درمان، عمر و مانند آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲. برخی اصول حاکم

در پدیده عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه مانند دیگر مفاهیم حقوقی اصول حقوقی متعددی حاکم است که کاربرد برخی از آن‌ها نمایان‌تر می‌باشد که در اینجا به اصل حسن نیت و اصل احترام مالکیت اشاره می‌شود.

۱-۲-۱. اصل حداکثر حسن نیت

قرارداد بیمه به دلیل ماهیت خاصی که نسبت به سایر عقود دارد دارای اصول و قواعد مخصوص به خود است. یکی از این اصول، اصل حداکثر حسن نیت می باشد. با وجود نبودن مفهوم حسن نیت پذیرش این اصل در حقوق داخلی ایران با استناد به موادی از قانون مدنی مانند صحت معامله وکیل پیش از وصول خبر عزل (ماده ۶۹۰ قانون مدنی) مورد شناسایی قرار گرفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۱۵۶).

در واقع اگرچه همه قراردادها باید بر اساس حسن نیت باشد ولی در بیمه، داشتن حسن نیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای نمونه می توان به ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ می توان اشاره کرد. از آنجا که بیمه گر جبران خساراتی را در آینده می پذیرد که از میزان دقیق آنها آگاهی ندارد، بیمه گذار باید در ارائه داده ها و اطلاعات لازم و بایسته حسن نیت داشته باشد، وگرنه زیربنای قرارداد بیمه که بر پایه احتمال و اتفاق است زیر سؤال می رود. زیرا بیمه گر، بدون آگاهی از میزان خطر و اهمیت آنکه قرار بوده بیمه گذار با اظهارات درست خود آنها را برای بیمه گر روشن کند، پوشش بیمه ای می دهد و این توافق و رضایت بیمه گر را مخدوش می کند. یکی از نتایج عدم رعایت اصل حداکثر حسن نیت در قرارداد بیمه از سوی بیمه گر یا بیمه گذار، پدیده عدم تقارن اطلاعات می باشد (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۳: ۲۰۳).

۱-۲-۲. اصل احترام مالکیت

قاعده «احترام مالکیت»، یکی از قواعد حقوقی ماهوی است که در همه عرصه های حقوق خصوصی، اعم از حقوق مدنی و حقوق تجارت قابلیت استناد و اعمال دارد. (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۳: ۱۵۷) در خصوص مالکیت های نامشهود مانند مالکیت صنعتی این ضرورت نمایان تر می شود. زیرا در خصوص مالکیت های مشهود، احترام مالکیت امری شناخته شده است، اما در زمینه مالکیت صنعتی به ویژه در زمانه ای که سخن از سلب مالکیت خزنده و غیرمستقیم سلب مالکیت خزنده^۱ مطرح است، بیمه می تواند تأمین کننده حرمت مالکیت های نامشهودی مانند مالکیت صنعتی به ویژه در مقابل سلب مالکیت خزنده باشد.

۱-۳. نتایج حاصل از عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه

پدیده عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه دارای دو نتیجه بسیار مهم می باشد. یکی پدیده انتخاب منفی، و دیگری مخاطرات اخلاقی می باشد، که در ادامه به بررسی هر یک از این نتایج می پردازیم.

1. Creeping (Indirect) Expropriation

۱-۳-۱. انتخاب منفی در قرارداد بیمه و انواع آن

انتخاب منفی اصطلاحی است که در اقتصاد، صنعت بیمه، آمار و مدیریت ریسک کاربرد دارد. این اصطلاح به فرایند بازاری اشاره می‌کند که در آن، بر اثر نامتقارن بودن اطلاعات (دسترسی به اطلاعات متفاوت) بین فروشنده و خریدار، نتایج اشتباه و نادرستی در بازار به وجود می‌آید. در این حالت احتمال انتخاب محصولات یا مشتریان بد بیشتر است. به عنوان مثال، وقتی بانک برای انجام کارهای بانکی، یک قیمت را برای تمام مشتریان تعیین می‌کند، احتمال اینکه مشتریانی که حجم فعالیت بیشتری دارند (سودآوری کمتری دارند)، قیمت را بپذیرند، بیشتر است. علت این امر به دلیل ناقص بودن اطلاعات بانک از نوع مشتریان و تعیین قیمت‌های متفاوت است. اقتصاددان آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد، جرج اکرلوف برای اولین بار به مسئله انتخاب منفی در مقاله خود با عنوان «بازار لیموها» در سال ۱۹۷۰ اشاره کرد که از ناتوانی معامله‌گران در تفاوت قائل شدن در کیفیت محصولات، به وجود می‌آید.

بنابراین انتخاب منفی یا همان انتخاب جانبی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن دو طرف یک مذاکره یا قرارداد اطلاعات متقارنی نسبت به وضعیت یکدیگر ندارند. این امر منجر به تصمیم‌گیری غلط و افزایش ریسک شرکت بیمه می‌شود؛ چراکه در مواردی حق بیمه برای یک بیمه‌نامه، بر اساس میانگین وضعیت ریسک بیمه‌شده‌ها تعیین می‌شود؛ بنابراین اگر بیمه‌گذاری ریسک مورد بیمه خود را بالاتر از میانگین (پُرریسک) بداند، حاضر است بیمه‌نامه‌ای را که توسط شرکت بیمه با یک حق بیمه میانگین به او پیشنهاد شده است خریداری کند. در این حالت ریسک شرکت بیمه افزایش یافته چراکه احتمال وقوع خسارت برای این بیمه‌نامه بالاست. گزگزینی از طریق این مکانیزم، باعث کاهش سودآوری شرکت‌های بیمه خواهد شد.

باید توجه داشت معاملات بیمه‌ای را اصول خاص آن، از سایر معاملات و روابط حقوقی بین افراد متمایز می‌کند و هر یک از طرفین قرارداد (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) ملزم به رعایت و ایفای آن تعهدات می‌باشند. یکی از اصول حاکم بر قراردادهای بیمه‌ای، اصل حسن نیت است، با توجه به اینکه برای طرفین قرارداد بیمه این امکان وجود ندارد که قبل از صدور بیمه‌نامه و قبول تعهد جبران خسارت احتمالی، هر یک از اموالی را که برای بیمه کردن به او عرضه می‌شود از نزدیک ملاحظه و کیفیت خطر آن را ارزیابی کند، لذا از نظر قانون بیمه، وظایفی برای هر یک از طرفین قرارداد جهت اجرای حسن نیت در نظر گرفته شده که ملزم به رعایت آن می‌باشند و از لحاظ ضمانت اجرا، در صورت تخلف طرف دیگر، هر یک از طرفین عقد (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) می‌تواند، عقد بیمه را باطل اعلام نماید. از سوی دیگر رعایت اصل حسن نیت مخصوص بیمه‌گذار نیست، بلکه بیمه‌گر نیز باید

تعهدات خود را در هنگام صدور بیمه نامه به صورت روشن به آگاهی بیمه گذار برساند و در بیمه نامه درج نماید تا بیمه گذار از میزان پوشش خود آگاه باشد (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۸۷). ناگفته پیداست که پایبندی به اصل حسن نیت از سوی بیمه گر در هنگام اجرای قرارداد و انجام تعهداتش بیشتر نمایان می شود. همان طور که گفتیم یکی از نتایج عدم تقارن اطلاعات طرفین، انتخاب منفی می باشد که در ادامه به آن می پردازیم.

انتخاب منفی به طور کلی دو حالت دارد:

یک حالت انتخاب منفی، انتخاب منفی بیمه گر می باشد. این امر هنگامی رخ می دهد که بیمه گذار نسبت به بیمه گر اطلاعات کامل تری در مورد بیمه شده (موضوع مورد بیمه که می تواند یک شخص یا یک شیء باشد) دارد. حالت دیگر انتخاب منفی انتخاب منفی بیمه گذار می باشد اما این امر زمانی است که بیمه گذار در انتخاب شرکت بیمه مناسب اطلاعات مناسبی نداشته باشد. در ادامه به بررسی هر یک از این موارد خواهیم پرداخت:

۱-۳-۱-۱. انتخاب منفی بیمه گر

انتخاب منفی بیمه گر زمانی است که بیمه گذار در انتخاب شرکت بیمه مناسب اطلاعات مناسبی نداشته باشد. این کمبود اطلاعات می تواند در مورد میزان توانگری مالی شرکت بیمه جهت جبران خسارت بیمه گذار هنگام وقوع، قیمت رقابتی در مقایسه با سایر شرکت های بیمه و همچنین کیفیت ارائه خدماتی مانند سهولت فرایند پرداخت خسارت وجود داشته باشد گام بردارد. بیمه مرکزی با اطلاع رسانی شاخص های مهمی همچون توانگری مالی شرکت های بیمه می تواند موجب آگاهی جامعه از وضعیت شرکت های بیمه شود. در عین حال این امر شرکت های بیمه را ترغیب خواهد کرد که توانگری مالی خود را افزایش دهند و نهاد ناظر می تواند نظارت بهتری بر عملکرد آنها داشته باشد.

باید توجه داشت که عوامل متعددی می تواند موجب انتخاب منفی بیمه گر یا بیمه گذار شود.

برخی از این عوامل عبارتند از:

اول، عدم تفکیک مشتریان. در واقع با توجه به تعدد مشتریان و در دست نبودن اطلاعات آنها، شرکت های بیمه قادر به تفکیک مشتریان خود نیستند. بنابراین یکی از مشکلات اساسی شرکت های بیمه، این است که نمی توانند نوع مشتریان را از نظر میزان تمایل آنها به ریسک، تشخیص و تفکیک کنند، زیرا ریسک منشأ خسارت و ریسک بالاتر، به منزله خسارت بیشتر است. مسئله درجه تمایل به ریسک، یک مسئله شخصی و روانی است و هر فرد، به خوبی می داند که چه قدر از ریسک گریزان یا متمایل به آن است، در حالی که شرکت های بیمه نمی توانند این تمایل را تشخیص دهند، لذا

اطلاعات شرکت‌های بیمه درباره میزان تمایل به ریسک مشتریان، کمتر از خود مشتریان است و با این توصیف، بین آن‌ها اطلاعات نامتقارن حاکم است و این امر اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا مسئله تمایل به ریسک، امری است که بستگی به ژنتیک، سن، جنس، تحصیلات، ثروت و محیط خانوادگی فرد دارد و تا زمانی که اظهار آن برای فرد مستلزم هزینه باشد، از آن پرهیز کرده یا اطلاعات غلط را منتقل می‌کند. (کریمی، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

دوم، منافع بیمه‌گری. شرکت‌های بیمه جهت حفظ منافع خود و همچنین بالا بردن سود ممکن است به دلیل عدم اطلاعات نامتقارن و شفاف نبودن بازار بیمه‌گری با پذیرش یک ریسک پرخطر نیز باعث زیان مالی شوند. در اینجا شرکت بیمه، به گمان اینکه با تحت پوشش قرار دادن این ریسک، حق بیمه به مراتب بالاتری عاید خواهد داشت دست به انتخاب نامساعد می‌زند.

سوم، عدم رعایت حسن نیت از سوی بیمه‌گذاران. همان‌طور که گفتیم از آنجا که بیمه‌گر جبران خساراتی را در آینده می‌پذیرد که از میزان دقیق آن‌ها آگاهی ندارد بنابراین بیمه‌گذار باید در ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم و بایسته، حسن نیت داشته باشد و گرنه زیربنای قرارداد بیمه که بر پایه احتمال و اتفاق است زیر سؤال می‌رود. زیرا بیمه‌گر، بدون آگاهی از میزان خطر و اهمیت آنچه قرار بوده بیمه‌گذار با اظهارات درست خود آن‌ها را برای بیمه‌گر روشن کند، پوشش بیمه‌ای می‌دهد و این توافق و رضایت بیمه‌گر را مخدوش می‌کند. (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۳: ۱۵۶)

۲-۱-۳-۱. انتخاب منفی بیمه‌گذار

یک حالت دیگر انتخاب منفی در بازار بیمه هنگامی رخ می‌دهد که بیمه‌گذار (مقتضای بیمه) نسبت به بیمه‌گر (شرکت بیمه) اطلاعات کامل‌تری در مورد بیمه‌شده (موضوع مورد بیمه که می‌تواند یک شخص یا یک شیء باشد) دارد. این امر منجر به تصمیم‌گیری غلط و افزایش ریسک شرکت بیمه می‌شود؛ چراکه در مواردی حق بیمه برای یک بیمه‌نامه، بر اساس میانگین وضعیت ریسک بیمه‌شده‌ها تعیین می‌شود؛ بنابراین اگر بیمه‌گذاری ریسک مورد بیمه خود را بالاتر از میانگین (پُرریسک) بداند، حاضر است بیمه‌نامه‌ای را که توسط شرکت بیمه با یک حق بیمه میانگین به او پیشنهاد شده است خریداری کند. در این حالت ریسک شرکت بیمه افزایش یافته چراکه احتمال وقوع خسارت برای این بیمه‌نامه بالاست. علاوه بر این بیمه‌گذارانی که ریسک پایینی دارند و این حق بیمه میانگین را برای خود مناسب نمی‌بینند، این بیمه‌نامه را خریداری نخواهند کرد. پس تقاضای بیمه‌گذارانی با ریسک‌های بالا برای این بیمه‌نامه بیش‌تر است (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۸۶). انتخاب منفی از طریق این مکانیزم، باعث کاهش سودآوری شرکت‌های بیمه خواهد شد. همچنین اگر کیفیت ارائه خدماتی مانند سهولت فرایند پرداخت خسارت، وجود داشته باشد، در این صورت محتمل است که بیمه‌گذار

متحمل زیان‌های سنگینی شود. بخش مهمی از علل ایجاد این نوع از انتخاب منفی متوجه نهادهای نظارتی و قانون‌گذاری است. نهاد ناظر بر شرکت‌های بیمه (بیمه مرکزی مهم‌ترین نهاد ناظر و قانون‌گذار بر شرکت‌های بیمه در ایران است) با وضع قوانین مختلف، می‌تواند در راستای شفاف‌سازی وضعیت شرکت‌های بیمه گام بردارد. بیمه مرکزی با اطلاع‌رسانی شاخص‌های مهمی همچون توانگری مالی شرکت‌های بیمه می‌تواند موجب آگاهی جامعه از وضعیت شرکت‌های بیمه شود. در عین حال این امر شرکت‌های بیمه را ترغیب خواهد کرد که توانگری مالی خود را افزایش دهند و این‌گونه موجب رشد اقتصادی کشور شوند.

۲-۳-۱. مخاطرات اخلاقی ناشی از عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی

یکی دیگر از نتایج پدیده عدم تقارن اطلاعات در قرارداد بیمه مخاطرات اخلاقی می‌باشد. می‌دانیم که یکی از اصول مسلم در صنعت بیمه، تعهد اخلاقی بیمه‌گذار به حفاظت از موضوع بیمه است. به‌عنوان مثال، فرض بر این است که مالک اتومبیلی، که خودروی خود را نزد شرکت بیمه، در مقابل سرقت بیمه کرده است، اقدامات لازم برای پیشگیری از سرقت، همچون نصب دزدگیر، قفل کردن اتومبیل در هنگام پیاده شدن و مانند آن را اعمال خواهد نمود. اگر پس از انعقاد قرارداد بیمه، و حصول اطمینان از اینکه در صورت سرقت اتومبیل، شرکت بیمه موظف به جبران خسارت وارده است، بیمه‌گذار نسبت به حراست از اتومبیل خود سهل‌انگاری و مسامحه نماید، شرکت بیمه‌گر با ریسک ناشی از «مخاطره اخلاقی» مواجه شده است. گونه شدیدتر «مخاطره اخلاقی»، مشارکت بیمه‌گر در بروز خطر مورد بیمه (در اینجا سرقت اتومبیل) است.

برای جلوگیری از این نتایج سه راهکار وجود دارد که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم: اول تقویت شاخص‌های اخلاقی (مانند امانت‌داری و صداقت) در جامعه (از طریق تقویت نهادهای غیررسمی همچون اخلاق و دین‌داری)؛ دوم تقویت نهادهای رسمی در جامعه که منجر به افزایش شفافیت و قانون‌مندی شده و هزینه عدم صداقت و خیانت در امانت را افزایش می‌دهد. ارتقای نظام ثبت بیمه، گسترش نظام کنترل کیفیت، ارتقای استانداردهای حسابداری و حسابرسی، تسهیل و روان‌سازی سیستم قضایی و در یک کلام، کاهش «هزینه مبادله» می‌تواند به‌عنوان بخشی از دستاوردهای تقویت نهادهای رسمی در جامعه تلقی شود. و سوم ارتقای سیستم کارشناسی و نظارتی بیمه.

راه نخست با حرکت در مسیر تربیت انسان‌ها، زمینه بروز مخاطرات اخلاقی را کاهش می‌دهد. راه دوم و سوم مبتنی بر این فرض هستند که جامعه با «فقر اخلاقی» مواجه است و از این رهگذر، مخاطرات اخلاقی به‌صورت بالقوه بیمه‌گران و بیمه‌گذاران را تهدید می‌کند. به همین دلیل راه‌های دوم و سوم درصدد جلوگیری از به فعلیت رسیدن مخاطراتی هستند که «بالقوه» وجود دارند.

روشن است که بیمه به عنوان یک بنگاه اقتصادی با اهداف خاص، نمی تواند متولی ترویج اخلاق یا تقویت نهادهای رسمی در جامعه باشد و مجبور است سطح فعلی نهادهای رسمی و غیررسمی را به عنوان متغیرهای موجود بپذیرد. لازمه پیمودن این طریق، تجهیز صنعت بیمه به سیستم های پیشرفته مدیریتی، کارشناسی و نظارتی است.

۴-۱. بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات در برخی از مصادیق بیمه به عنوان نمونه

شرکت های بیمه بازرگانی، محصولات بیمه ای مختلفی ارائه می کنند. در یک تقسیم بندی رایج این محصولات در قالب چهار دسته اموال، مسئولیت، اشخاص و سایر طبقه بندی می شوند. هر یک از این دسته ها شامل چند رشته بیمه ای مختلف هستند. انواع رشته های بیمه ای عبارتند از، اموال: باربری، آتش سوزی، بدنه اتومبیل؛ مسئولیت: مسئولیت مدنی شخص ثالث، سایر انواع مسئولیت ها؛ اشخاص: عمر، از کار افتادگی و غیره. در ادامه تأثیر عدم تقارن اطلاعات در برخی از بیمه های مهم به همراه روش های مقابله با آن تشریح می شود.

۱-۴-۱. بیمه عمر

بیمه عمر قراردادی است که میان یک شرکت بیمه و شخص بیمه شونده (یا ضامن وی) منعقد می شود، که در آن بیمه شونده متعهد به پرداخت مبلغی به صورت تعیین شده در قرارداد می گردد و این پرداخت ها تا زمانی معین، بسته به نوع قرارداد، ادامه خواهد داشت و با بروز وقایعی چون: مرگ، ابتلا به بیماری لاعلاج یا احتیاج شخص به مراقبت های ویژه پزشکی، شرکت بیمه موظف خواهد بود، مبلغ بیمه را به بیمه گذار یا به شخص ثالثی که وی تعیین کرده، بپردازد.

در خصوص بیمه عمر، ضرورت درک عدم تقارن اطلاعات، به منظور جلوگیری از قیمت گذاری پایین و افزایش ریسک ورشکستگی بیمه گر اجتناب ناپذیر است. در واقع بر اساس نظریه راتچایلد-استیگلیتز در مورد تعادل جداشونده، بیمه گذاران پُرریسک درصدد درخواست پوشش کامل با حق بیمه عادلانه و بیمه گذاران کم ریسک متقاضی قرارداد بیمه با پوشش ناقص و حق بیمه پایین تر (و البته عادلانه) هستند. بر این اساس با استفاده از نرم افزار ایویوز و میزان کاهش در پوشش کامل بیمه عمر (کاهش در سرمایه فوت)، متغیرهای تأثیرگذار در سطح ریسک بیمه گذاران (ریسک فوت) از نظر شهودی شناسایی شد. نهایتاً با محاسبه شاخص ریسک با استفاده از متغیرهای معنی دار (متغیرهای افزایشنده سطح ریسک با علامت مثبت و نیز متغیرهای کاهشنده سطح ریسک با علامت منفی) و بررسی معناداری رابطه حق بیمه سالانه به عنوان شاخصی از تقاضای بیمه عمر و شاخص ریسک برآوردشده، فرضیه وجود انتخاب نامساعد که در نتیجه عدم تقارن اطلاعات به وجود آمده بود در بیمه عمر تأیید شد.

۲-۴-۱. بیمه درمان

شاید یکی از مهم‌ترین رشته‌های بیمه که در آن پدیده عدم تقارن اطلاعات به دلیل اطلاعاتی است که از سوی بیمه‌گر ارائه می‌شود بیمه‌های درمان تکمیلی می‌باشد. یک روش متداول برای فروش این نوع بیمه‌ها، صدور بیمه‌نامه به صورت گروهی می‌باشد؛ یعنی یک شرکت با انتخاب یک طرح بیمه‌ای برای کارکنان خود بیمه درمان تکمیلی خریداری می‌کند. روش صدور گروهی این نوع بیمه‌نامه در واقع راهی برای کاهش این کژگزینی است، اما با وجود این باز هم این کژگزینی در این رشته بیمه‌ای زیاد است؛ خصوصاً برای بیمه‌های انفرادی که برای تعداد افراد کم صادر می‌گردد (اغلب تحت عنوان خانواده). فرد یا افرادی که وضعیت سلامتی خود را مساعد نمی‌دانند و هزینه‌های درمانی بالایی در طول مدت بیمه‌نامه برای خود پیش‌بینی می‌کنند، متقاضیان اصلی این بیمه‌نامه هستند و نرخ این بیمه‌نامه (که در بهترین حالت از تحلیل داده‌های گذشته برای جامعه آماری مشتریان شرکت بیمه محاسبه شده است)، برای این افراد مناسب است؛ بنابراین بیمه‌گر در معرض این کژگزینی قرار دارد و با استفاده از روش‌هایی از جمله تهیه یک پرسش‌نامه که قبل از تعیین نرخ می‌بایست توسط بیمه‌گذار پُر شود سعی در شناسایی افراد پرریسک دارد تا نرخ بالاتری به آن‌ها پیشنهاد دهد یا از بیمه کردن آن‌ها خودداری کند. روش دیگری که در برخی از پوشش‌های بیمه درمان برای جلوگیری از عدم تقارن اطلاعات اعمال می‌شود، لحاظ کردن دوره انتظار به میزان مشخص برای آن پوشش است؛ به طور مثال برای پوشش هزینه‌های زایمان، دوره انتظار ۹ ماهه توسط برخی از شرکت‌های بیمه در نظر گرفته می‌شود.

۳-۴-۱. بیمه مسئولیت

بیمه‌های مسئولیت از جمله رشته‌های بیمه‌ای است که به طور مستقیم در تنظیم روابط اجتماعی افراد جامعه، شناخت افراد از حقوق و مسئولیت‌های یکدیگر و تأمین امنیت حرفه‌ای مشاغل و فعالیت‌ها تأثیرگذار می‌باشد. به طور کل اگرچه بیمه مسئولیت تأمینی برای اشخاص ثالث در قبال مخاطرات ناشی از فعالیت و زیست بیمه‌گذار می‌باشد، اما بیمه‌گذار با توجه به جبران خسارت از سوی بیمه‌گر (شرکت بیمه) آرامش و اطمینان خاطر در زمان فعالیت خود کسب خواهد نمود. با توجه به مسئولیت‌های بسیاری که هر یک از ما در قبال سایر افراد جامعه داریم می‌توان تعداد بسیار متنوعی از بیمه‌های مسئولیت را برشمرد اما با توجه به میزان استقبال مردم از انواع نسبتاً محدود این نوع بیمه و عدم آشنایی با گونه‌های دیگر آن، شرکت‌های بیمه نیز به طور معمول تعداد اندکی از این پوشش‌ها را به مردم می‌فروشند.

پزشکان و مهندسان و کارفرماهایی که مسئولیت کاری و حرفه‌ای بالایی دارند با قرار گرفتن زیر پوشش طرح بیمه مسئولیت استرس مسئولیت بزرگی را که بر دوش گرفته‌اند کم می‌کنند و با کیفیت بیشتر به انجام کارشان می‌پردازند. در این نوع بیمه، عدم تقارن اطلاعات موجب می‌شود که عرصه هم بر بیمه‌گر و هم بیمه‌گذار تنگ شود و این آن هدفی که از آن انتظار می‌رود به اجرا گذاشته نشود.

۴-۱. بیمه اتومبیل

بیمه اتومبیل، بیمه خریداری شده برای اتومبیل، کامیون، موتورسیکلت و دیگر وسایل نقلیه جاده‌ای است، که به طور کلی جبران‌کننده خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی وارد به اتومبیل و نیز سرنشینان آن و اشخاص ثالث می‌باشد. با توجه به شرایط خاص بیمه‌های خودرو، از نظر حقوقی، در مناطق مختلف، مقررات آن، متفاوت از یکدیگر تعریف می‌شود. در ایران نرخ بیمه‌های اتومبیل به خصوص رشته شخص ثالث، به طور مستقیم توسط نهاد ناظر یعنی بیمه مرکزی تعیین می‌شود که احتمال عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد. دستورالعمل تعیین نرخ این رشته تنها بر اساس برخی از مشخصات اتومبیل است و ویژگی‌های راننده در آن لحاظ نشده است؛ در واقع این بیمه‌نامه برای اتومبیل صادر می‌گردد نه برای شخص. با توجه به این نرخ‌گذاری، شرکت‌های بیمه عملاً نمی‌توانند روشی مناسب برای تعیین نرخ بر اساس ریسک‌های هر فرد تعیین کنند و این احتمال وقوع عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد. حال آنکه در بسیاری از کشورها تعیین نرخ بر عهده بیمه‌گر می‌باشد. از این طریق نوآوری و نرخ‌گذاری مبتنی بر ریسک در میان شرکت‌های بیمه توسعه می‌یابد و در نتیجه احتمال وقوع پدیده عدم تقارن اطلاعات به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. (Walmsley, 2002: 136)

۲. آسیب‌های عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی

در این قسمت به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی می‌پردازیم و خواهیم دید که عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت چه اثری خواهد داشت ولی قبل از آن به بیان سابقه مالکیت صنعتی خواهیم پرداخت.

۲-۱. سابقه مالکیت صنعتی

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز شد. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید، اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی که زیر استعمار کشورهای غربی بودند روند روبه‌رشدی را تجربه نکرده و سیری نزولی طی

نمودند. البته در بعضی از کشورها مانند ایران حرکت‌های مقطعی و موردی صورت گرفت، تا اینکه انقلاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ رخ داد و ایران را از کشوری وابسته به شرکت‌های غربی، به کشوری مستقل و متکی به خود تبدیل کرد. از این زمان بود که فشار کشورهای غربی که پایگاه اصلی خود در منطقه خاورمیانه را در اثر انقلاب از دست داده بودند رو به فشار از طریق تحریم آوردند و در این موقع بود که مسئله اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک مسئله اساسی و حیاتی مطرح شد و هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران شد توسعه و رشد اقتصادی کشور از طریق منابع و پتانسیل داخلی تا کشور ایران تبدیل به کشوری کاملاً مستقل و توسعه‌یافته شود. (صالحی، ۱۳۸۷: ۲۶۵)

۲-۱. تأثیر عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی

یکی از زیرساخت‌هایی که می‌تواند ضامن موفقیت اقتصادی و فناوری پژوهشگران و شرکت‌های دانش‌بنیان در چنین عصری باشد، توجه به «حقوق مالکیت صنعتی» است. حقوق مالکیت صنعتی، مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند و در این راستا یک سری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده آن اعطا می‌کند. مالکیت صنعتی به‌عنوان بخشی از حقوق مالکیت معنوی شاخه‌ای از حقوق تجارت است که حقوق غیرمادی ناشی از علایم مشخص‌کننده مانند علایم تجاری یا صنعتی یا خدماتی، اسم تجاری، سمبل یا علامت و مشخصات منشأ کالا را مورد مطالعه قرار داده و به حقوق حاصل از خلاقیت و نوآوری از قبیل: ورقه‌های اختراع، گواهی اشیای مصرفی و بالاخره به اشکال و ترسیمات و مسائل راجع به رقابت نامشروع و سوءاستفاده از حقوق مالکیت صنعتی می‌پردازد. امروزه مالکیت صنعتی، چه در حقوق داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به علت الزامات بازرگانی بین‌المللی و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، مورد حمایت جدی قرار گرفته است.

با پیدایش این نوع مالکیت، مسائل حقوقی جدیدی، پدیدار شد و حقوق‌دانان را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو کرده است. یکی از این چالش‌ها بیمه این نوع مالکیت می‌باشد. به هر حال و با توجه به تمام مسائل موجود در این زمینه، امروزه با توجه به اهمیت اقتصادی و ارزش بالای آفرینه‌های فکری از یک سو و ترس از ورود خسارت به این اموال یا ایجاد مسئولیت برای تجار و مخترعان از سوی دیگر، ضرورت دارا بودن بیمه مالکیت صنعتی بیش از پیش آشکار شده است.

در واقع تمام اموال در معرض خطرند، چه اموال مادی (فیزیکی) و چه معنوی (فکری). جدای از راهکارهای سنتی برای محافظت از این اموال، مثل حفاظت فیزیکی، توسل به قانون و... راهکار تقریباً نوینی نیز وجود دارد، که همان بیمه می‌باشد. البته باید توجه داشت که بیمه اموال معنوی، هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است و فقط چند شرکت بزرگ بیمه‌ای در خارج از کشور مبادرت به صدور این نوع

بیمه می‌نمایند. با گسترش روزافزون جرائم علیه اموال معنوی و نقض حقوق مالکیت معنوی توسط اشخاص و شرکت‌های رقیب، نیاز به وجود بیمه مالکیت معنوی روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. نقض حق اختراع، جعل علائم و نام‌های تجاری، کپی‌برداری از طرح‌های صنعتی و غیره، همه از موارد و نمونه‌های نقض حقوق مالکیت معنوی می‌باشند. ایجاد اطمینان برای جامعه مخترعین و مبتکرین و هنرمندان، فلسفه اصلی تأسیس عقد بیمه حقوق مالکیت معنوی است. بر اساس نمودار شماره یک که توضیح آن گذشت دیدیم که بیمه این نوع مالکیت نسبت به سال‌های گذشته بسیار کاهش یافته است یکی از دلایل این امر انتخاب منفی می‌باشد که در نتیجه عدم تقارن اطلاعات به وجود می‌آید.

عدم تقارن اطلاعات در بیمه مالکیت صنعتی باعث ایجاد یک نوع عدم توازن قدرت در معاملات می‌شود که گاهی اوقات می‌تواند باعث خراب شدن معاملات، ورشکستگی شرکت‌های بیمه یا حتی منجر به از بین رفتن حقوق ناشی از مالکیت صنعتی شود. حالا برای جلوگیری از این آثار، راهکارهایی وجود دارد که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم. در واقع با توجه به گسترش رقابت در صنعت بیمه کشور و افزایش تعداد بیمه‌گران خصوصی در این عرصه، بررسی موانع و مشکلات و شناخت توزیع اطلاعات بین طرفین قرارداد بیمه (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) و مسائل مربوط به آن، از جمله پدیده انتخاب منفی به منظور بازبینی قیمت‌گذاری و تعیین تعرفه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد. وجود عدم تقارن اطلاعات می‌تواند منجر به مسائلی همچون انتخاب منفی گردد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

از سوی دیگر گسترش رقابت در این صنعت میل به کاهش تعرفه‌های بیمه‌ای را در بین بیمه‌گران فزونی بخشیده است. حال در صورت وجود پدیده انتخاب منفی در صنعت بیمه، به‌عنوان مثال بیمه عمر، کاهش حق بیمه‌های دریافتی می‌تواند ریسک بیمه‌گر را افزایش داده و نهایتاً منجر به ورشکستگی شرکت بیمه گردد. در واقع در بازارهای بیمه، انتخاب منفی در نتیجه اطلاعات نامتقارن بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر به وجود می‌آید. بیمه‌گذاران نسبت به زیان مورد انتظارشان ناهمگن هستند و اطلاعات بیشتری نسبت به شرکت بیمه دارند. شرکت بیمه در تمایز بین انواع ریسک‌گذاران ناتوان است. افراد با سطح ریسک بالا هیچ انگیزه‌ای برای آشکارسازی نوع ریسک خود ندارند؛ زیرا مشخص شدن نوع ریسک آن‌ها، هزینه‌هایی به همراه دارد و هر اندازه که بیمه‌گران آگاهی کمتری از ریسک صحیح بیمه‌گذاران داشته باشند، توانایی آن‌ها در خودداری از پذیرش ریسک‌های بالا کاهش می‌یابد. این پدیده، انتخاب منفی نامیده می‌شود که می‌تواند حیات اقتصادی بیمه‌گری را که با ریسک‌های بسیار بالایی مواجه شده است، به خطر بیندازد. به هر حال این نتیجه گسترده تنها در یک مدل تک دوره‌ای صادق خواهد بود. (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

۲-۳. چهارچوب دوره‌ای در شرکت بیمه

در یک چهارچوب چند دوره‌ای برای شرکت بیمه، دستیابی به قضاوت صحیح در مورد میزان ریسک بیمه‌گذاران با توجه به خسارات گذشته ممکن خواهد بود. برای جلوگیری از این امر، سه راه حل وجود دارد:

۲-۳-۱. مکانیزم قراردادهای تک دوره‌ای

این قراردادها بیمه‌گذاران را ترغیب به آشکارسازی اطلاعات پنهان خود از طریق انتخاب نوع قرارداد بیمه از بین لیستی از قراردادهای مختلف با سقف پوشش‌های مختلف و حق بیمه‌های متفاوت می‌نماید و افراد با سطح ریسک‌های متفاوت، بیمه‌نامه‌های مختلفی انتخاب می‌کنند. معمولاً در نتیجه طراحی قراردادهای مختلف به منظور ایجاد تعادل‌های جداول‌شده، افراد با ریسک کمتر مبادرت به انتخاب قراردادهای بیمه با پوشش جزئی و حق بیمه ارزان‌تر می‌نمایند و نیز افراد با سطح ریسک بالا قراردادهای بیمه با پوشش بیشتر و البته حق بیمه بیشتر را انتخاب می‌نمایند.

۲-۳-۲. دسته‌بندی ریسک‌ها

در این روش بیمه‌گر با دسته‌بندی ریسک‌ها تا حدودی خود را بی‌نیاز از اطلاعات بیمه‌گذار می‌کند و به این ترتیب از وقوع پدیده عدم تقارن اطلاعات جلوگیری می‌کند.

۲-۳-۳. قراردادهای چند دوره‌ای

در این روش بیمه‌گران با استفاده از اطلاعات مرتبط و با تجارب قبلی، بیمه‌گذار اقدام به رتبه‌بندی ریسک‌ها می‌پردازد. تفاوت این روش با روش قبلی در این است که بیمه‌گر اطلاعات خود را از قراردادهای بیمه‌ای که قبلاً با بیمه‌گذار منعقد کرده به دست می‌آورد و در واقع بیمه‌گر نوعی آزمون و خطا را اجرا می‌کند در حالی که در روش قبلی بیمه‌گر اطلاعات خود را با توجه به نوع خطر مورد بیمه به دست آورده نه قراردادهای قبلی که با بیمه‌گذار منعقد کرده است.

به هر حال برای جلوگیری از پدیده عدم تقارن اطلاعات باید یکی از این راه‌حل‌ها مورد نظر قرار بگیرد، در این میان راه حل سوم به نظر می‌آید که کارایی بیشتری داشته باشد زیرا اطلاعات بیمه‌گر را افزایش داده و مانع عدم تقارن اطلاعات می‌شود. در واقع برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت بیمه به علت تحمل ریسک، بیش از حدی که حق بیمه دریافت می‌گردد، باید هزینه‌های سربار در محاسبه حق بیمه مذکور افزایش یابد یا در شرایط رقابتی، شرکت بیمه به منظور افزایش سطح توانگری خود ذخایر مورد نیاز را نگهداری نماید تا ریسک ورشکستگی شرکت بیمه که می‌تواند یکی از موانع افزایش تقاضای بیمه توسط بیمه‌گذاران کم‌ریسک باشد، کاهش یابد و گامی در جهت توسعه بیمه عمر در سطح کشور برداشته شود.

نتیجه

یکی از عواملی که می‌تواند ضامن موفقیت اقتصادی و فناوری پژوهشگران و شرکت‌های دانش‌بنیان باشد، توجه به «حقوق مالکیت صنعتی» است. حقوق مالکیت صنعتی، مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند و در این راستا یک سری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده آن اعطا می‌کند. مالکیت صنعتی به‌عنوان بخشی از حقوق مالکیت معنوی شاخه‌ای از حقوق تجارت است که حقوق غیرمادی ناشی از علائم مشخص‌کننده مانند علائم تجاری یا صنعتی یا خدماتی، اسم تجاری، سمبل یا علامت و مشخصات منشأ کالا را مورد مطالعه قرار داده و به حقوق حاصل از خلاقیت و نوآوری از قبیل: ورقه‌های اختراع، گواهی اشیای مصرفی و بالاخره به اشکال و ترسیمات و مسائل راجع به رقابت نامشروع و سوءاستفاده از حقوق مالکیت صنعتی می‌پردازد. امروزه مالکیت صنعتی، چه در حقوق داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به علت الزامات بازرگانی بین‌المللی و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، مورد حمایت جدی قرار گرفته است. با پیدایش این نوع مالکیت، مسائل حقوقی جدیدی، پدیدار شد و حقوق‌دانان را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو کرده است. یکی از این چالش‌ها بیمه این نوع مالکیت می‌باشد. به هر حال و با توجه به تمام مسائل موجود در این زمینه، امروزه با توجه به اهمیت اقتصادی و ارزش بالای آفرینه‌های فکری از یک سو و ترس از ورود خسارت به این اموال یا ایجاد مسئولیت برای تجار و مخترعان از سوی دیگر، ضرورت دارا بودن بیمه مالکیت صنعتی بیش از پیش آشکار شده است.

بیمه مالکیت صنعتی قراردادی است که خطرات وارده بر آفریده‌های فکری را که موجب ورود خسارت به دارندگان و بهره‌برداران آن‌ها و یا اشخاص ثالث می‌شود را تحت پوشش قرار داده و خسارات وارده را جبران می‌نماید. در واقع تمام اموال در معرض خطرند، چه اموال مادی (فیزیکی) و چه معنوی (فکری). جدای از راهکارهای سنتی برای محافظت از این اموال، مثل حفاظت فیزیکی، توسل به قانون و غیره، راهکار تقریباً نوینی نیز وجود دارد، که همان بیمه می‌باشد. بیمه اموال معنوی، هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است و فقط چند شرکت بزرگ بیمه‌ای در خارج از کشور مبادرت به صدور این نوع بیمه می‌نمایند. با گسترش روزافزون جرائم علیه اموال معنوی و نقض حقوق مالکیت معنوی توسط اشخاص و شرکت‌های رقیب، نیاز به وجود بیمه مالکیت معنوی روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. ایجاد اطمینان برای جامعه مخترعین و مبتکرین و هنرمندان، فلسفه اصلی تأسیس عقد بیمه حقوق مالکیت صنعتی است. عدم تقارن اطلاعات در عقد بیمه مالکیت صنعتی به‌نوبه خود موجب ورشکستگی شرکت‌های بیمه و در نتیجه از رونق افتادن بازار بیمه می‌شود که این امر

مانع از هدف مالکیت صنعتی یعنی تجاری‌سازی اختراعات، طرح‌های صنعتی و غیره خواهد شد. در واقع با توجه به گسترش رقابت در صنعت بیمه کشور و افزایش تعداد بیمه‌گران خصوصی در این عرصه، بررسی موانع و مشکلات و شناخت توزیع اطلاعات بین طرفین قرارداد بیمه (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) و مسائل مربوط به آن، از جمله پدیده عدم تقارن اطلاعات به منظور بازبینی قیمت‌گذاری و تعیین تعرفه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد.

در جهت جلوگیری از پدیده عدم تقارن اطلاعات باید گفت رعایت اصل حداکثر حسن نیت از سوی بیمه‌گذار و بیمه‌گر مانع عدم تقارن اطلاعات می‌شود و در نتیجه افراد چه بیمه‌گذار و چه بیمه‌گر با اطلاعات کامل اقدام به انعقاد بیمه نسبت به موضوع مد نظر می‌کنند. در واقع قرارداد بیمه به دلیل ماهیت خاصی که نسبت به سایر عقود دارد، دارای اصول و قواعد مخصوص به خود است. یکی از این اصول، اصل حداکثر حسن نیت می‌باشد. در واقع اگر چه همه قراردادها باید بر اساس حسن نیت باشند ولی در بیمه، داشتن حسن نیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. از آنجا که بیمه‌گر جبران خساراتی را در آینده می‌پذیرد که از میزان دقیق آن‌ها آگاهی ندارد، بنابراین بیمه‌گذار باید در ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم و بایسته، حسن نیت داشته باشد. وگرنه زیربنای قرارداد بیمه که بر پایه احتمال و اتفاق است زیر سؤال می‌رود. زیرا بیمه‌گر، بدون آگاهی از میزان خطر و اهمیت آنکه قرار بوده بیمه‌گذار با اظهارات درست خود آن‌ها را برای بیمه‌گر روشن کند، پوشش بیمه‌ای می‌دهد و این توافق و رضایت بیمه‌گر را مخدوش می‌کند. یکی از نتایج عدم رعایت اصل حداکثر حسن نیت در قرارداد بیمه از سوی بیمه‌گر یا بیمه‌گذار، پدیده عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه عدم اطمینان افراد به یکدیگر و ورشکستگی بازار بیمه خواهد شد. بنابراین اصل حداکثر حسن نیت یکی از اصول اساسی و حیاتی معاملات بیمه می‌باشد. در واقع اگر چه همه قراردادها باید بر اساس حسن نیت باشد ولی در بیمه، داشتن حسن نیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. از آنجا که بیمه‌گر جبران خساراتی را در آینده می‌پذیرد که از میزان دقیق آن‌ها آگاهی ندارد بنابراین بیمه‌گذار باید در ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم و بایسته، حسن نیت داشته باشد. وگرنه زیربنای قرارداد بیمه که بر پایه احتمال و اتفاق است زیر سؤال می‌رود. زیرا بیمه‌گر، بدون آگاهی از میزان خطر و اهمیت آنچه که قرار بوده بیمه‌گذار با اظهارات درست خود آن‌ها را برای بیمه‌گر روشن کند، پوشش بیمه‌ای می‌دهد و این توافق و رضایت بیمه‌گر را مخدوش می‌کند. از سوی دیگر رعایت اصل حسن نیت مخصوص بیمه‌گذار نیست بلکه بیمه‌گر نیز باید تعهدات خود را در هنگام صدور بیمه‌نامه به صورت روشن به آگاهی بیمه‌گذار برساند و در بیمه‌نامه درج نماید تا

بیمه‌گذار از میزان پوشش خود آگاه باشد، ناگفته پیداست که پابندی به اصل حداکثر حسن نیت در هنگام اجرای قرارداد و انجام تعهدات بیشتر نمایان خواهد شد.

بنابراین باید گفت با توجه به اینکه نیازهای اقتصاد دانش بنیان، صنعت بیمه را نیز به دخالت جدی در جریان خسارات ناشی از خطرات تحدیدکننده حقوق مالکیت صنعتی مانند تعرض اشخاص ثالث، از بین رفتن اختراع یا غیرقابل اجرا شدن طرح صنعتی و غیره واداشته است. اما در این راه موانعی وجود دارد که مانع رسیدن بیمه مالکیت صنعتی به هدفی که برای آن تشکیل شده یعنی تجاری‌سازی محصولات و توسعه و رشد اقتصادی کشور شود. یکی از این موانع نیز پدیده عدم تقارن اطلاعات می‌باشد که در نتیجه عدم رعایت اصل حداکثر حسن نیت به وجود می‌آید. انتظار می‌رود که با به کار بردن راه‌حلهایی که در این مقاله مطرح شد با این پدیده مبارزه شود تا یکی از موانع بزرگ بیمه مالکیت صنعتی، از میان برداشته شود.

منابع

فارسی

- امامی، اسدالله (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت معنوی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- امامی، اسدالله (۱۳۹۲)، حقوق مالکیت صنعتی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- اصلانی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- بابایی، ایرج (۱۳۹۰)، حقوق بیمه، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، حقوق اموال، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خامنه ای، سید محمد (۱۳۷۰)، بیمه در حقوق اسلام، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کریمی، آیت (۱۳۸۰)، کلیات بیمه، بیمه مرکزی ایران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- کشاورز، زمردی انباجی (۱۳۸۸)، «انتخاب نامساعد و مخاطرات اخلاقی در بازار بیمه درمان ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی.
- کوشا، ابوطالب (۱۳۸۴)، «اصل حداکثر حسن نیت در معاملات بیمه و نیم‌نگاهی به آن در سایر عقود و قراردادهای»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- میرحسینی، سیدحسن (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: انتشارات میزان.
- ماجدی، وحید (۱۳۸۹)، «انتخاب نامساعد و امکان استقرار قراردادهای سازگار اطلاعاتی، شواهدی از بازار بیمه تصادفات اتومبیل ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ص ۱-۱۶.
- صالحی، محمود (۱۳۸۷)، حقوق بیمه، چاپ ششم، تهران: انتشارات بیمه مرکزی.
- عرفانی، توفیق (۱۳۸۷)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، چاپ پنجم، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۹۳)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.

انگلیسی

- Nyman, J. (1999). "The economics of moral hazard revisited". *Journal of Health Economics*, 18, pp. 811-824.
- Muermann, A. and Straka, D. (2012), *New evidence from driving behavior*. Working paper. Asymmetric Information in Automobile insurance.
- Vermont S (2006). *Independent Invention as a Defense to Patent Infringement*, The University of Michigan Law School.
- Branstetter, L. , Fisman, R. , Fritz Foley, C. & K. Saggi (2011), "Does Intellectual Property Rights Reform Spur Industrial Development?", *Journal of International Economics*, PP. 27-36.
- Hastings Law Journal (2001), "Article 4, No. 6 of the Constitution of 1867 (German)", Vol. 52, P. 1255.
- Legar (2006), *Intellectual Property Rights and Innovation in Developing Countries*.
- CJA Consultants Ltd. (2003). *Patent litigation insurance*, A study for the european commission on possible insurance schemes against patent litigation risks. Final Report

- Fuentes, R. J. (2009). "Patent insurance: Towards a more affordable mandatory scheme?", **Columbia Science and Technology Law Review**, 10.
- Gauntlett, D. A. (1997). "Patents and insurance: Who will pay for reimbursement?", **Boston University Journal Of Science and Technology Law**, 6.
- Gauntlett, D. A. (1998). "Recent developments In intellectual property insurance". **Tort and Insurance Law Journal**, 33.
- Reyes, J. A. (1995). "Patents and Insurance: Who will pay for infringement". **Boston University Journal of Science and Technology Law**, 3.
- Reyes, J. A. (1996). "CGL insurance coverage for patent infringement". **Boston University Journal of Science and Technology Law**, 2.
- Robinson W. J. (1989). "Insurance coverage of intellectual property lawsuits". **ALPLA Quarterly Journal**.
- Rowe T. M. (2008). "Special insurance for intellectual property: Additional security for owners of intellectual property assets". **De Paul Journal of Art, Technology and Intellectual Property Law**, 19.
- Simensky, M. and Osterberg, E. C. (1999). "The insurance and management of intellectual property risks". **Cardozo Arts & Entertainment Law Journal**, 17.
- Small, L. A. (1998). "Offensive and defensive insurance coverage for patent litigation: Who will pay?", **Cardozo Arts & Entertainment Law Journal**, 16.